

راهنمای نگارش مقاله دانشگاهی (academic essay)

نوشته اسکات براون (Scott Brown) با اندکی تغییر

۱۹۴-۱۷۳



چکیده: در نوشته‌ای که در ادامه ملاحظه می‌کنید، تقریباً تمام مطالب مورد نیاز دانشجویان برای نگارش مقاله دانشگاهی یافت می‌شود. مولف که خود از استادان به نام مطالعات دینی است تلاش می‌کند در این نوشته جنبه‌های گوناگون نگارش مقاله از ابتدا تا انتها را به صورت موجز بیان کند؛ جنبه‌هایی که دانشجویان باید بدانند اما به ندرت آنها را به صورت روشن و واضح می‌آموزند. نویسنده ابتدا مقصود از مقاله دانشگاهی را بیان می‌کند آنگاه با تمایز بین محتوا و صورت، وجوه مختلف نگارش مقاله اعم از یافتن منبع، شیوه‌های مستندسازی و دوری از سرقت علمی و... را تبیین کند. هرچند نوشته زیر عمدتاً معطوف به رشته‌های الهیات است اما دانشجویان همه رشته‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: نگارش مقاله دانشگاهی، ساختار مقاله دانشگاهی، سرقت علمی، مستندسازی مقاله، محتوای مقاله دانشگاهی

Academic Essay Writing Guide

Scott Brown / Translation: Mehdi Amirian

Abstract: In the following text, you will find almost everything a student needs to write an academic paper. The author, who is himself a professor of religious studies, tries to summarize the various aspects of writing an article from beginning to end; Aspects that students need to know but rarely learn clearly. The author first states the purpose of the academic article and then, by distinguishing between content and form, explains the various aspects of writing the article, including finding the source, methods of documentation, and avoiding plagiarism, and so on. Although the following essay is mainly focused on theology, students of all disciplines can use it.

Keywords: University Essay Writing, University Essay Structure, Plagiarism, Essay Documentation, University Essay Content

دليل تدوين المقالة الجامعية (Academic essay)

اسكات براون (Scott Brown) / ترجمة: مهدي أميريان

الخلاصة: يمكن العثور في المقالة التي بين يديك على جميع ما يحتاجه الطالب الجامعي تقريباً لكتابة المقالة الجامعية. فالمؤلف الذي هو أحد الأساتذة البارزين في الدراسات الدينية يسعى في هذا المقال إلى تعليم الطالب بصورة موجزة على الجوانب المختلفة لكيفية كتابة المقالات من نقطة البداية إلى النهاية، تلك الجوانب التي يجب على الطلبة معرفتها، لكنهم يندرون أن يتعلموها بصورة واضحة.

يبدأ الكاتب ببيان المقصود من (المقالة الجامعية)، ثم يبين - من خلال التمييز بين الشكل والمضمون - مختلف جوانب تدوين المقالات، بما فيها تهئية المصادر، وأسلوب التوثيق، وتجنب السرقات العلمية، وغيرها.

ورغم أن هذا المقال يغلب عليه الاهتمام بفروع العلوم الدينية، إلا أنه يمكن لطلاب كافة الفروع العلمية أن يستفيدوا منه. المفردات الأساسية: تدوين المقالة الجامعية، بنية المقالة الجامعية، السرقة العلمية، توثيق المقالة، مضمون المقالة الجامعية.

مقاله دانشگاهی چیست؟

برای نگارش یک مقاله خوب، معمول آن است که تزوایدی را پیورانیم؛ یعنی برای گزاره‌ای خاص استدلال کنیم. مقالات مباحث کلی درباره یک موضوع نیستند، نظیر آنهایی که در متون درسی مشاهده می‌کنید، بلکه در حالت مطلوب عبارتند از استدلال‌هایی به نفع نکته‌ای خاص که شما آنها را درست و طرحشان را ارزشمند تلقی کرده‌اید. پیش از نگارش مقاله لازم است درباره موضوعی خاص و همچنان لاینحل (یا به راحتی قابل حل) مطالعه کنید و آراء نویسندگانی را که مدنظر دارید به شکل انتقادی ارزیابی کنید. آن‌گاه یافته‌های آنها و بینش‌های خودتان را در مقاله‌ای ادغام کنید؛ به طوری که گویای دیدگاه شما درباره آن موضوع باشد. در پاراگراف نخست (یا بندهای آغازین)، به اختصار خطوط کلی مسئله‌ای را ترسیم کنید که در مقاله به آن خواهید پرداخت، آن‌گاه ادعای اصلی مقاله^۱ را به شکل کاملاً مشخص ارائه کنید؛ به نحوی که بیانگر راه حل شما از مسئله باشد. در متن مقاله تلاش کنید اعتبار نظر خود را از طریق توالی منطقی استدلال‌ها اثبات کنید و در پاراگراف‌های پایانی آنچه را اثبات کرده‌اید، خلاصه و ارتباط آن را با مسئله یادآوری کنید.

پس مقاله، نه خلاصه مباحث متون درسی درباره یک موضوع است و نه گزارشی از استدلال‌های رایج در خصوص دیدگاهی قبلاً اثبات شده، بلکه عبارت است از تلاش برای قانع کردن دیگران به طوری که نحوه تفکر شما از مسئله را قانع‌کننده‌ترین گزینه موجود قلمداد کنند. از این روشیوه ارائه مطالب در مقاله، تحلیلی^۲ است؛ یعنی قوت ایده شما و ضعف نظریه‌های رقیب از طریق بحث و تحلیل شواهد مربوط اثبات می‌شوند. لزومی ندارد موضعی که در مقاله از آن دفاع می‌کنید بدیع و نو باشد. این موضع ممکن است برگرفته از مطلبی باشد که در جریان پژوهش با آن روبرو شده‌اید؛ یعنی می‌توانید استدلال کنید نظریه‌ای که توسط یک محقق یا گروهی از محققان ارائه شده، نسبت به سایر نظریه‌ها تبیین بهتری از مسئله در اختیار ما می‌گذارد.

برای نگارش مقاله پژوهشی، رویکرد استدلالی^۳ قالبی استاندارد است؛ یعنی قالبی است که در بیشتر مقالات دانشگاهی با آن برخورد می‌کنید. هر چند این قالب تنهاترین روش برای نوشتن مقاله به شمار نمی‌رود، استفاده از آن بهترین راه است تا از طریق آن بتوانید توانایی خود را در تفکر نقادانه^۴ و آزادانه به نمایش بگذارید. یک نوع از این قالب را می‌توان مقاله اکتشافی^۵ نامید که با یک مسئله آغاز می‌شود،

۱. در ترجمه essay از عنوان مقاله استفاده کرده‌ام، نه جستار. هر چند اگر بخواهیم دقیق سخن بگوییم باید کلمه essay را به جستار برگردانیم و paper را به مقاله. به هر حال چون اولاً در زبان فارسی معمولاً این دو به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، ثانیاً مطالب اختصاص به جستار ندارند، ما از عنوان essay به «مقاله» یاد می‌کنیم که کاربرد بیشتری دارد. (مترجم)

2. thesis statement.

3. Analytic.

4. Argumentative.

5. think critically.

6. exploratory essay.

سپس شواهد کاملاً تحلیلی می شوند و در انتها به نتیجه (یعنی شکل دیگری از تز) می انجامد. برخی ترجیح می دهند مقاله ای به این شکل بنویسند تا بتوانند همه شواهد را به صورت نظام مند بررسی کنند و از این راه به خواننده بفهمانند که ارزیابی آنها باعث نشده در تحلیل دچار سوگیری شوند و شواهدی را که توانایی تبیین ندارند، از نظر دور نگاه دارند؛ هر چند انگیزه چنین کاری ستودنی است، احتمالاً این شیوه را نباید بهترین راه برای نوشتن مقاله به شمار آورد؛ زیرا مستلزم ارائه شواهد مفصل و غیرضروری است و خواننده را شگفت زده می کند که این همه تحلیل قرار است به کجا بینجامد. چه بسا داشتن نظر و تز سبب ساماندهی بهتر و انتقال روشن تر افکار تان می شود؛ زیرا برای اثبات آن لازم است از توالی منطقی استدلال ها و مباحث استفاده کنید و همین، ساختار مقاله شما را شکل می دهد.

نگارش درباره خاستگاه و تطور یکی از جنبه های دین، مثلاً تطور شیوا^۷ خدای هندو^۸ یا رسم ساتی^۹ یا تصور مسیحی از شیطان^{۱۰} نیز مقاله ای قابل قبول است. نویسنده در چنین مقالاتی معمولاً خود را درگیر صورت بندی نظر واحدی نمی کند؛ زیرا ممکن است عوامل مختلفی در توالی تغییرات تاریخی دست داشته باشند که هر یک را باید به صورت مستقل تحلیل کرد. چون دامنه این مقالات گسترده است و موارد تحلیل چندان بحث انگیز نیست، احتمالاً آنها را نباید سنجه خوبی برای ارزیابی توانایی شما در برخورداری از استقلال فکر به حساب آورد. چه بسا بهتر است تنها درباره یک مرحله از تطور یکی از جنبه های دین به خصوص مرحله ای که درباره آن اختلاف نظر وجود دارد، بحث کنید.

اما نوشتن مقاله توصیفی که در آن اطلاعات شاخص یک دین ارائه می شود، نامناسب است. اگر در خاطرتان باشد در دوران دبیرستان معلم از شما می خواست گزارشی درباره یک موضوع بنویسید. در نتیجه برای تحقیق درباره آن به کتابخانه می رفتید، دانشنامه را باز می کردید و اطلاعات را به زبان خودتان بازنویسی می کردید، اما عقل و فکرتان اکنون نسبت به آن زمان رشد کرده و آن مرحله را پشت سر گذاشته اید. مقاله دانشگاهی صرفاً اطلاعاتی از نویسته بندی شده نیست. نباید انتظار داشت مقاله ای که فقط توصیفی از «مذهب شینتو»،^{۱۱} «مراسم ازدواج سیک»^{۱۲} یا «اعتقادات بودا»^{۱۳} است، نمره ای کسب کند.

از این اقسام کلی که بگذریم، انواع خاصی از مقالات وجود دارند که بر همان مبنای قالب استدلالی

7. Shiva.

8. Hindu.

9. practice of sati.

10. Satan.

11. The Shinto Religion.

12. Sikh Wedding Rituals.

13. What the Buddha Believed.

استاندارد بنا نهاده شده‌اند. می‌توان مقاله‌ای مقایسه‌ای^{۱۴} انتخاب کرد؛ یعنی مقاله‌ای که در آن دو سنت مذهبی با توجه به موضوعی خاص با یکدیگر مقایسه می‌شوند. می‌توان برداشت بودایی و مسیحیت را از ذات انسان با هم سنجد یا می‌توان ایران و پاکستان را به عنوان دو حکومت مذهبی مقایسه کرد. مقالاتی از این دست، همچنان نیازمند تریا حداقل «نکته»^{۱۵} هستند. ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین دو آیین تلاشی بی‌فایده است، مگر اینکه از طریق این مقایسه بتوان چیزی را با استدلال اثبات کرد. بنابراین مقایسه باید دارای محور و کانونی مشخص باشد و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیش‌تر را که همان‌تر مقاله است، در اختیار خواننده بگذارد.

نوع خاص دیگر مقاله استدلالی، مقاله تفسیری^{۱۶} نام دارد. واژه «exegesi» از کلمه یونانی به معنای «هدایت کردن»^{۱۷} گرفته شده است. این اصطلاح به روش‌های تثبیت‌شده‌ای در تفسیر اشاره دارد که برای استخراج معنای مؤلف از دل یک متن طراحی شده‌اند. رویکرد نظام‌مند تفسیر وسیله‌ای است برای مقابله با تمایل طبیعی استنباط پیش‌فرض‌های شخصی از متون دینی (که تفسیر به رأی^{۱۸} نام دارد). مقاله تفسیری معنای قطعه‌ای خاص یا دسته‌ای از قطعات مربوط به هم از کتاب مقدس را تبیین می‌کند. چنین مقالاتی استدلال‌هایی هستند درباره آنچه مؤلف قصد داشته به وسیله واژگان منتقل کند. برای مثال می‌توان برای تفسیر خاصی از یک قطعه دشوار یا بحث‌انگیز نظیر انجیل مرقس ۱۱:۴-۱۲ استدلال کرد یا می‌توان از طریق تحلیل همه قطعات مربوط به هم توضیح داد که مؤلف چه منظوری از یک اصطلاح یا مفهوم خاص داشته است. به علاوه چنین مقالاتی باید تداشته باشند. برخلاف مفسران کتاب مقدس، چنین نیست که در مقالات تفسیری جمله به جمله متن را از آغاز تا پایان پیش‌رویم و هراندیشه‌ای را به نوبت تبیین کنیم. ساختار مقاله تفسیری مستلزم ارائه منطقی و قانع‌کننده شواهد و استدلال‌هایی است که از تفسیری خاصی پشتیبانی می‌کنند.

پیش‌فرض‌ها

۱-۲. فرض‌های نظری و روشی

در دانشگاه مطالعه دین فعالیتی دانشگاهی است تا مذهبی. قرار نیست از ارزش‌ها و باورهای معنوی دین مورد پژوهش دفاع یا آنها را انکار کنیم. اساساً آن ارزش‌ها و باورها مناسب پژوهش علمی نیستند و نمی‌توانیم چنین کاری انجام دهیم. لازم است مسائل متافیزیکی و ماوراءالطبیعی را به کنار نهاده و درباره پدیده‌های دینی از روش‌های «دنیوی»^{۱۹} استفاده کنیم که در علوم انسانی کاربرد دارد. این بدین

14. comparative essay.

15. Point.

16. exegetical essay.

17. to lead out.

18. Eisegesis.

19. Secular.

معنی نیست که کسب علم و دانش دانشگاهی به دنبال کوچک جلوه دادن واقعیات دینی یا فروکاست کامل آنها به عواملی غیردینی است، بلکه اذعان به این نکته است که همه ابعاد وجود انسان تحت تأثیر نیروهایی (نظیر نیروهای اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) است که از نظر علمی می توان آنها را بررسی کرد؛ قطع نظر از اینکه آیا سایر نیروهایی که از لحاظ علمی غیرقابل درک هستند، دخیل اند یا نه. بنابراین پژوهشگران، آن بعد دینی رفتار انسان را بررسی می کنند که از همان روش ها، نظریه ها و فرض های مورد کاربرد در علوم انسانی و اجتماعی برای مطالعه ماهیت انسان بهره می گیرد. چه بسا ابرازهای تاریخ نگاری، جامعه شناسی، نقد ادبی و غیره همه اطلاعات را درباره دین در اختیار ما نگذارد و در واقع رویکردی کاملاً دانشگاهی بر مسائل اساسی وجود انسان پرتوی نیفکند. با این حال باید در نظر داشت که طرح مسائل الاهیاتی و سازه های متافیزیکی در بافت غیردینی علوم انسانی و علوم اجتماعی به شدت مناقشه برانگیز است؛ زیرا چنین ایده هایی همواره تحت تأثیر ایمان پژوهشگر است و به نظر می رسد برای محققانی که صاحب آن اعتقادات راسخ مذهبی نیستند، پذیرفتنی یا از نظر عقلانی دفاع پذیر نیست. تلاش سازمانی برای بسط و اصلاح مجموعه ای از پیش فرض های رایج و تجربی به محققان با گرایش های مذهبی متفاوت اجازه می دهد که ارتباط وثیقی با یکدیگر داشته باشند و به یک نوع اتفاق آراء دست یابند و از رهگذر آن، امر خطیر دانشگاهی پیشرفت کند.

پس پژوهشگران تلاش نمی کنند تا ادیان را به همان طریق مورد پسند خود ادیان، یعنی بر اساس مواجهه و رویارویی خدا و انسان، درک کنند، بلکه در مقایسه با واقعیات ناملموس نظیر روشن بینی،^{۲۰} وحی الهی،^{۲۱} مکاشفه^{۲۲} و شفاعت خداوند^{۲۳} آنها بر عوامل ملموسی متمرکز می شوند که در بافت اجتماعی - تاریخی وسیع تری قابل تشخیص است. در نگاه اول ممکن است محدود کردن بررسی و مطالعه دانشگاهی دین به چیزی که از نظر تحقیق عینی دست یافتنی است، سوء تعبیر از ذات دین به نظر برسد. با این حال وقتی ایده ها و اعمال دینی در بافت های تاریخی شان بررسی می شوند، ابهام های آنها کمتر می شود و درک بهتری می توان از آنها به دست آورد. در نتیجه این اتفاق، نظام های متافیزیکی تا حدی خصیصه فرازمینی افکار مرموز و ناشناخته خود را از دست می دهند و طرفداران این نظام ها دیگر به چشم موجوداتی کاملاً مقدس دیده نمی شوند که مکاشفه خاصی از حقیقت دارند و برای اعلام آن از شکیبایی و خویشتن داری اخلاقی برخوردارند. رویکرد دانشگاهی به ما این امکان را می دهد تا از شیوه هایی آگاه شویم که بنیان گذاران جنبش های دینی با استفاده از آنها کسانی چون ما را که اکثر فرض های غالب جوامع خود را پذیرفته ایم، از نظر فرهنگی تحت تأثیر قرار داده اند. همچنین با اتخاذ این رویکرد می توانیم بفهمیم که چگونه جنبه های نوو تأثیرگذار تعلیمات آنها ارتباط اجتماعی

20. Enlightenment.

21. divine inspiration.

22. Revelation.

23. divine intervention.

و سیاسی با زمان و مکان خاص ایشان داشته است.

تلقی‌های سنتی از خاستگاه‌های عادات و باورهای دینی معمولاً یادآور آموزگاران الهی است که حقیقت لایزال را یا از آسمان آورده‌اند (نظیر کریشنا^{۲۴} و مسیح) یا آن را به عنوان وحی از بالا اخذ کرده‌اند (همچون موسی و پیامبران بنی اسرائیل،^{۲۵} پیامبر اسلام، گورو ناناک^{۲۶}) یا دستیابی به آن را از طریق برخی از مراسم یا تشریفات کسب کرده‌اند (مثل شمن‌ها^{۲۷} و جادوگرها^{۲۸}) یا از طریق ریاضت توانستند فرهنگ و انسانیت خود را به حدی برسانند که بتوانند واقعیت غایی را آن‌گونه که واقعاً هست رؤیت کنند (نظیر بودا^{۲۹} و مهاویرا^{۳۰})، اما هر چه هم این مفاهیم پرهیزگاران آکنده از حقیقت باشد، مجال اندکی برای تحلیل تاریخی اندیشمندان و کتاب‌های تعیین‌کننده آنها فراهم می‌کند و رابطه بین حقیقت دینی و شکل جامعه را از نظرها دور نگاه می‌دارد. با این حال این تنها نظریه‌های آشکار وحی و اشراق نیستند که این رابطه را مخفی می‌کنند؛ زیرا همین مشکل زمانی روی می‌دهد که آداب و رسوم و آرمان‌های دینی با نظریه تمایلات و باورهای شخصی رهبر دینی تبیین شود. اینکه بگوییم فلان پیشوا به چیزی فرمان داد، چون بدان باور داشت، تبیینی دوری است؛ مگر آنکه خود آن باور به عنوان واکنشی معقول به اوضاع و احوالی خاص به حساب آید. برای مثال این سخن که بودا به نظام طبقاتی اعتنایی نداشت؛ زیرا معتقد بود که هر کس می‌تواند به اشراق دست یابد، تبیینی تهی و دوری است؛ زیرا این گفتار تبیین نمی‌کند که چرا بودا به عنوان شخصی که در یک مجموعه از شرایط ویژه و در زمان و مکانی خاص زیسته، مایل بوده است مسئله را به این نحو بنگرد. اینکه بگوییم بی‌اعتنایی وی به نظام طبقاتی بخشی از مخالفت گسترده تروی به ابعاد برهمن‌گرایی^{۳۱} است (مثل اقتدار و دادها^{۳۲} و ذبح حیوانات گران قیمت) که ساختار اجتماعی نابرابری را در وابستگی ساختگی به طبقه کشیش مآبانه تقویت می‌کند، (فارغ از اینکه بهترین تبیین است یا نه) تبیینی تاریخی است.

خوب است بررسی کنیم که ایده‌های مذهبی چگونه به رفتار منتهی می‌شوند. در حالی که کمال مطلوب مذهب رسمی حفظ وضع موجود است، آرمان‌های نو یا احیاشده غالباً خواستار تغییرات اجتماعی هستند. زمانی که اندیشمندان دینی مبنای متافیزیکی یک نظام تفکری را به خاطر نظامی دیگر رد می‌کنند، اغلب اوقات جهان بینی یا سیستم معنایی تازه‌ای را خلق می‌کنند که نظام اجتماعی

24. Krishna.

25. the prophets.

26. Guru Nanak.

27. Shamans.

28. magicians.

29. Budha.

30. Mahavira.

31. Brahmanism.

32. Vedas.

اصلاح شده‌ای را به دنبال دارد. معرفی کیهان‌شناسی جدید، (برای مثال نگاه تازه به «شکل» عالم و جایگاه ما در آن) از طریق ترویج آموزه‌ای نومی تواند به منافع ملموس برای پیروان آن دین منجر شود و به دنبال آن کمک کند تا مقبولیت یک سنت تبیین شود. مثلاً حضور بودا پنج قرن پیش از میلاد مسیح توانست جایگاه اجتماعی شخص را از یک طبقه پایین تر ترفیع بخشد و به دنبال آن سبب شد اهداف اجتماعی و دینی‌ای مدنظر قرار گیرد که در نتیجه برهم‌گرایی دست شخص از آنها کوتاه شده بود.

به خصوص این احتمال وجود دارد که دانشجویانی که خاستگاه‌های ادیان توحیدی (نظیر آموزه‌های موسی، زرتشت، عیسی، محمد یا رهبران سیک^{۳۳}) را بررسی می‌کنند، از آن عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چشم‌پوشی کنند که به این پیغام‌های نو و تازه جذابیت می‌بخشد. مدل «ارتباط مستقیم»^{۳۴} مکاشفه در این سنت‌ها (و اکثر پژوهش‌های مربوط به آنها) چنان مستحکم شده که به ندرت کسی می‌پرسد چرا این بنیان‌گذاران به «حقایق» اساسی که اعلان کرده ایمان آورده‌اند و چرا بسیاری از انسان‌ها در مقابل آنها چنان واکنشی از خود نشان دادند.

پراهمیت است که روش و موضوع پژوهش دانشگاهی کاملاً روشن باشد؛ زیرا نگارش نادرست مقالات دینی یا کلامی رایج و پرهزینه است. هر سال استادان و ارزیابان در کلاس‌های مقدماتی دین مقالاتی را دریافت می‌کنند که دانشجویان در آنها به پرسش‌هایی از این دست پرداخته‌اند: واقعی‌ترین شکل سیک‌گرایی کدام است؟ آیا مسیح پسر خداست؟ آیا زنان مسلمان باید حجاب داشته باشند و غیره. ممکن است همه اینها پرسش‌هایی جذاب باشند و وقتی مقالاتی درباره آنها در یک بافت مذهبی نوشته یا خوانده می‌شوند، به خوب بودن آنها حکم شود، اما اغلب اوقات این مقالات نمره‌ای ضعیف دریافت می‌کنند؛ زیرا به ارزیاب این فرصت داده نمی‌شود تا گستره پژوهش دانشجورا در ادبیات بحث بررسی کند و مطابق با شیوه‌های خاص آن دانش، توانایی او را در تحلیل موضوع ارزیابی کند. می‌توان ایده‌های متکلمان و سایر اندیشمندان دینی را بررسی کرد، بدون اینکه خودتان را به الهیاتی خاص ملزم کنید، مشروط بر اینکه منظری بی‌طرف و سوم شخص اتخاذ کنید و متعهد شوید که این ایده‌ها را به عنوان پدیده‌های اجتماعی، یعنی به عنوان دستاوردهای فهم‌پذیر در مکان و زمان خاص بررسی می‌کنید، اما اگر برایتان دشوار است که دین خود را به همان نحوی بنگرید که محققان درباره «سایر باورهای انسان‌ها» اتخاذ می‌کنند، مقاله را درباره یک دین دیگر بنویسید (اگر چنین حق انتخابی دارید). پژوهش درباره دینی که دل در گرو آن نداریم، مطمئن‌ترین گزینه است، به ویژه با توجه به اینکه دانشجویان تازه‌کار در مطالعات دینی دانشگاهی برایشان خیلی سخت است تشخیص دهند چه زمانی چیزهایی را فرض می‌گیرند که محققان از پذیرش آن ابا دارند. بیشتر اوقات نتیجه‌ای که محققان درباره یک موضوع می‌گیرند و آنچه انسان‌ها از طریق آموزش دینی درباره آن موضوع

33. Sikh.

34. Pipeline.

فراگرفته‌اند، دو چیز خیلی متفاوت است.

۲-۲. فرض‌های مربوط به معرفت زمینه

دانشجویان اغلب نمی‌دانند که چه معلومات یا فرض‌هایی را می‌توانند در مقاله خود بدیهي یا مفروض بگیرند و چه چیزهایی را لازم است تعریف، تبیین یا استدلال کنند. برای دوره‌های مقدماتی عموماً بهترین راه این است که فرض کنیم خواننده فقط به آن دسته اطلاعات و فرض‌های دینی خاص معرفت دارد که در نوشته‌ها و سخنان استاد ارائه می‌شود. این بدین معنی است که اگر موضوعی را مطالعه می‌کنید که در کلاس بررسی نشده بود، لازم است آن را بیشتر توضیح دهید. ارزیابان دوره‌های «ادیان جهان»^{۳۵} غالباً دانشجویانی را فارغ‌التحصیل می‌کنند که در دوره‌ای خاص از یک دین متخصص شده‌اند. استادان این دوره‌ها معلوماتی عمدتاً کلی درباره‌ی ادیان دارند و چنین نیست که در همه‌ی آنها متخصص باشند. اگر با اطمینان می‌دانید ارزیابان در مبحثی که خودتان انتخاب کرده‌اید یا مکلف به آن شده‌اید (که در دوره‌های بالاتر معمولاً چنین است) تخصص دارد، می‌توانید کمتر توضیح دهید، اما باید مشخص باشد که از معانی اصطلاحات، تاریخ‌های مربوط به آنها و غیره که به کار می‌برید اطلاع دارید. اگر این موضوع برای خواننده کاملاً روشن نباشد، مقاله‌تان با یک سری حواشی بازگردانده می‌شود که از شما می‌خواهد مواردی را تعریف کرده و توضیح دهید. همین نکته درباره‌ی آزمون نیز صدق می‌کند. اگر در مطالعه خود، نظریه‌های بحث‌برانگیز را بپذیرید، لازم است آگاهی خود را نسبت به چالش‌برانگیز بودن آنها نشان دهید و توجیهی برای انتخابتان ارائه کنید.

مقاله چگونه ارزیابی می‌شود؟

ارزیاب مقاله شما تلاش می‌کند این موارد را بسنجد: دامنه تحقیق و اطلاعات نسبت به موضوع، میزان تفکر مستقل و انتقادی شما که بر راه حل مقدم است، معقولیت و استحکام عقلانی استدلالتان. همچنین ارزیاب می‌سنجد که تا چه حد توانسته‌اید با اتخاذ سامانی منطقی و سبکی قانع‌کننده، افکارتان را به نحو روشن و مؤثر انتقال دهید. علاوه بر همه اینها کامل بودن و صحت استناد مقاله سنجدیده می‌شود. بخش‌های ارزیابی را می‌توان بر اساس صورت و محتوا شرح داد.

۳-۱. محتوا

محتوا مهم‌ترین بخش نوشته است که باید از دانش فراوان و تحلیل عاقلانه شما حکایت کند. هدف پژوهش دانشگاهی ارتقای دانش در حوزه‌ای خاص است. بنابراین کیفیت تحلیل را می‌سنجند، نه شخصیت کسی که مقاله را نوشته است. مقاله دانشگاهی تریبونی برای دفاع از اعتقاد شخصی یا دینی، یا فاش کردن افکار خصوصی نیست. نویسنده مقاله پژوهشی از منطق و دلیل استفاده می‌کند

۳۵. حداقل منظور ادیان ابراهیمی به علاوه بودیسم و هندوئیسم است. (مترجم)

تا فهمی عقلانی از وقوع آن پدیده به دست آورد، بنابراین قدرت اقناعی استدلال باید منطقی باشد تا خطابی و معطوف به عقل باشد تا دل. ارجاع به معرفت شخصی (تجارب یا سلاقی شخصی) و توسل به عواطف نه تنها در نوشته دانشگاهی جایگاهی ندارند، موضع شما را هم تضعیف می‌کنند؛ زیرا با اعتماد به چیزهایی از این دست، فرد به طور ضمنی تصدیق می‌کند که شواهد پشتیبان چندان قرص و محکم نیستند.

اگرچه منطقی و دلیل ابزارهای اصلی تحقیق اند، تحلیلی که در چهارچوب نظریه‌ای اثبات شده انجام شود، گیراتراست. برای مثال می‌توانید تحلیلی مارکسیستی^{۳۶} از نظام طبقاتی هندو^{۳۷} انجام دهید یا تحلیل دورکیمی^{۳۸} از اخلاق کار پروتستانی^{۳۹} یا تحلیلی یونگی^{۴۰} (یا نوعی تحلیل ادبی - انتقادی) از متن کتاب مقدس ارائه کنید. توجهی که لازم است به نظریه و روش‌شناسی داشته باشید، به موازات پیشرفتتان در برنامه مطالعات دینی افزایش خواهد یافت.

چه هواخواه نظریه خاصی باشید یا نه، مهم است یادتان نرود که یک موضوع تنها آن‌گاه به اندازه کافی بررسی شده است که در زمینه تاریخی‌اش کاملاً مطالعه شود. علائم افشاگر یک دورنمای تاریخی ضعیف عبارت است از استفاده از عبارات مبهم، تعمیم‌های استقرایی (استخراج نتایج از تعدادی مثال اندک) و استنتاج‌های علی به منظور توصیف تاریخی - اجتماعی خاص. کافی نیست که بگوییم چیزی «در زمان‌های قدیم» رخ داده یا تبیین کنیم که متون خاصی را «نخبگان دینی» نگاشته‌اند. تا جای ممکن دقیق باشید. توجه کنید که چه زمانی امور رخ داده‌اند، چه کس یا کسانی در ماجرا دخیل بوده‌اند و کدام فرقه یا شاخه دینی محل بحث است. همه ادیان در طول زمان تغییر می‌کنند؛ همچون شاخه‌های درخت، اشکال جدید با مجموعه‌ای از شعائر و اعتقادات ایجاد می‌شوند. بنابراین نباید فرض کرد که برای مثال همه بودیست‌های شرق آسیا متون و باورهای پایه واحدی را مرتبط با مکتب تراوادا^{۴۱} پذیرفته‌اند. حتی باورهای به اصطلاح «بنیادین» یک دین، داخل هیچ دینی به یک نحو تفسیر نمی‌شوند. پس برای پژوهش روی باورها و اعمال خاص یک شاخه خاص دینی تمرکز کنید.

لازم است به طور خاص به یکی از فرض‌های آشنایی اشاره کنم که از ناکافی بودن آگاهی تاریخی خبر می‌دهد. برخی از دانشجویان گمان می‌کنند لابد گروهی توانگر وجود داشته‌اند که باورهای دینی را در یک تمدن جعل کرده و با زرنگی آنها را به جماعت‌های بی‌سواد قبولانده‌اند تا بدین ترتیب به آنها ستم روا دارند و وضع موجود را حفظ کنند. اگرچه این ایده‌ها ظاهراً نظریه‌ای انتقادی‌اند، این

36. Marxism.

37. Hindu.

38. Durkheimian.

39. Protestant.

40. Jungian.

41. Theravada.

سناریو را نمی‌توان به هر دینی قالب کرد و آن را جایگزین کسب اطلاع از «واقعیات» مربوط به جوامع و فرهنگ‌های خاص دانست. دانشجویانی که این رویکرد را برمی‌گزینند، غالباً تلاش می‌کنند به جای یافتن شواهد واقعی، واقعیت‌های اجتماعی خاص را (مثل اشکال ظلم و ستمی که رخ می‌دهند یا لایه رخ داده‌اند)، از باورهای کلی دین نتیجه بگیرند. (در این میان معمولاً به دلایلی که نمی‌توانم بفهمم، بودیسم و هندوئیسم انتخاب می‌شوند). وقتی اطلاعات واقعی وجود دارد، توسل به استنتاج‌های مبتنی بر فرضیه توجیه‌پذیر نیست.

۲-۳. صورت و امتیاز

بیان مکتوب افکار ارتباط وثیقی با محتوا دارد و اهمیتش کم از آن نیست. اگر ایده‌هایتان روی کاغذ روشن نباشند، در ذهنتان هم روشن نیستند. هر دانشگاهی از دانشجویانش انتظار دارد که بتوانند با مهارت کافی به زبان آموزشی بنویسند. برخی از دانشجویان این‌گونه نوشتن را مستلزم شرکت در یک کارگاه نگارش می‌دانند. خواندن را از طریق کتابچه‌ای راهنما بیاموزید و برای نوشتن کارآمد، دوره‌ای بگذرانید. توانایی نوشتن درست احتمالاً همان قدر برایتان سودمند خواهد بود که دانشی خاصی را از طریق مقالات مکتوب به دست می‌آورید. (ساختار و سبک مقاله را در ادامه توضیح خواهم داد).

چون برای ارزیابی مقاله یک شیوه مشخص وجود ندارد، جزئیات امتیاز شما در واقع به تمایلات ارزیاب بستگی دارد. آنچه در زیر می‌آید یکی از این موارد است:

محتوا: ۵۰ درصد

شواهد: ۱۰ درصد

ساختار و ساماندهی: ۱۰ درصد

فکر مستقل: ۱۰ درصد

دستور زبان و درست‌نویسی: ۱۵ درصد

مستندسازی: ۵ درصد

نکاتی درباره نحوه نگارش مقاله

۱-۴. چه زمانی آغاز کنیم

کسانی که تحقیق خود را یک ماه یا زودتر از ضرب‌الاجل آغاز و بعد از ظهرها با آرامش روی آن کار می‌کنند، مقاله‌شان می‌تواند کاملاً پُرثمر از کار درآید. روی سخنم با کسانی است که عادت دارند تحقیق خود را تا هفته پایانی به تأخیر بیندازند. روشن است که در این صورت، نگارش مقاله یک کار سنگین به نظر می‌رسد و چنانچه شرایط پیش‌بینی نشده مانع شود که کار در زمان مقرر پایان یابد، چیزی جز آزرده‌گی خاطر به دنبال ندارد. وقتی این افراد به مقدار کافی تلاش نمی‌کنند و نمره قبولی به

دست نمی‌آورند، انگشت به دهان می‌گویند: «تا کنون این قدر در زندگی‌ام تلاش نکرده بودم!»

وقوع «حوادث قهری» در هفته‌ای که مشغول نگارش مقاله هستید، به نظر اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین توسل به آن برای انجام ندادن تکلیف بهانه‌ای بیش نیست، اما ارزیاب آگاه احتمالاً وقوع چنین رخدادهایی را به منزله هشدار می‌داند تا بلکه دست از امروز و فردا کردن بردارید. یادتان باشد که به محض آغاز دوره، تکالیفتان را انجام دهید. احتمالاً آکراه از نوشتن مقاله عامل اصلی در به تأخیر انداختن آن است و شاید این آکراه به دلیل تجارب تلخی است که قبلاً به دلیل تأخیر در نگارش مقاله به دست آورده‌اید.

۲-۴. چه بخوانیم

با تحقیقی گسترده درباره موضوع خاص خود، می‌توانید به نتایج مستقل دست یابید. معمولاً لازم است نزدیک به صد (بله صد) صفحه بخوانید و توقع آن است که افزون بر آن، فصل‌های کتاب درسی را نیز که مربوط به موضوع است، مطالعه کنید. مباحث کلی درباره دین که از کتاب‌های درسی کلاس و سایر منابع کلی نظیر دست‌نامه^{۲۲} و دانش‌نامه به دست آورده‌اید، معرفتی پایه و ضروری درباره آن سنت در اختیارتان می‌گذارد و شما را از ارتکاب به خطاهای بدیهی بر حذر می‌دارد، اما قسمت عمده مطالعه‌تان باید به کتب و مقالاتی اختصاص یابد که با موضوع خاص شما ارتباط دارد. آثار عمومی در ارتباط با دین شواهد کافی و دقیقی به شما نمی‌دهد تا بر اساس آنها بتوانید تحلیلی رضایت‌بخش ارائه کنید. اطلاعات خاص و مورد نیاز در کتابخانه دانشگاه در دسترس شماست. مسئله تنها یافتن آنهاست.

۳-۴. یافتن منابع

در کتابخانه‌هایی که از فهرست کتابخانه کنگره استفاده می‌کنند، بسیاری از منابع مربوط به دین با حرف B شماره‌گذاری شده‌اند. اگر نمی‌دانید چه موضوعی را انتخاب کنید، نگاهی به کتاب‌های جذاب و فراوان این حوزه بیندازید. وقتی موضوعتان مشخص باشد، جستجوی موضوع یا کلیدواژه در فهرست برخط می‌تواند به شما کمک کند. چنانچه کتابی درباره موضوع خاص خود در اختیار دارید، به دنبال منابعی بگردید که مربوط به موضوع شماست و در این کتاب از آنها یاد شده است. این کار را با سایر منابع نیز تکرار کنید تا به آثار مربوط به بحث دست یابید. خودتان را برای دو سه سفر کوتاه در کتابخانه آماده کنید. مقالات و سایر منشورات مربوط به همه شاخه‌های دین بر اساس موضوع در سالنامه‌ای با عنوان Religion Index One فهرست شده‌اند. زمانی که از این نمایه استفاده می‌کنید، احتمالاً مایلید که از آخرین شماره آغاز کنید و به عقب برگردید تا تعدادی مقاله خوب و جدید

بیابید. این مقالات باید حاوی کتابنامه‌های به روز باشند؛ به طوری که شما را به سوی مناسب‌ترین پژوهش‌های قدیمی تر هدایت کنند. اسامی مجلات با علائم اختصاری استاندارد ذکر شده‌اند که در آغاز هر شماره نام کامل آنها آمده است. زمانی که اسم مجله را می‌دانید، آن را در فهرست برخط و به شکل عنوان بنویسید تا جای آن را در کتابخانه بیابید. همچنین نمایه دیگری با عنوان Religion Index Two وجود دارد که فصل‌ها را در کتاب‌های چندتألیفی فهرست کرده است.

اگر تا کنون مقاله دینی نوشته‌اید، توجه کنید که اطلاعات خود را نباید از متون عبادی یا فرقه‌ای به دست آورید؛ کتاب‌هایی که در کتاب‌فروشی‌های مذهبی (یا قفسه‌های مذهبی در کتاب‌فروشی‌های عمومی) در دسترس‌اند، اما در کتابخانه‌های دانشگاه آنها را نمی‌بینیم، برای نوشتن مقاله‌ای دینی مناسب نیستند. نویسندگانی که به آثارشان مراجعه می‌کنید باید کارشناس مطالعات دانشگاهی در حوزه دین باشند. (معمولاً این نویسندگان، استاد دانشگاه‌های معتبر هستند)، نه کارشناس در اعمال عبادی. (برای مثال مرشدان، رهبران، آدم‌های مشهور و متکلمان برای این کار مناسب نیستند، مگر اینکه در مطالعات دانشگاهی نیز متخصص باشند.) کتاب‌های دانشگاهی، کتاب‌هایی معنوی - اخلاقی نیستند. اگر نویسنده‌ای سینه‌اش مالامال از عشق به یک دین خاص باشد یا برای ارزیابی زندگی یک فرد معتقد تردید داشته باشد، احتمالاً نمی‌تواند تحلیلی دانشگاهی و بی‌طرفانه ارائه کند. این چنین نیست که همه کتاب‌های موجود در کتابخانه دانشگاه، پژوهشی دانشگاهی و بدون تعصب به شمار روند. برخی از پژوهشگران گاهی از قالب دانشگاهی درآمد و کتاب‌هایی اعتقادی می‌نویسند. گروهی دیگر مدافعان مذهبی هستند که مایل‌اند، اصل پژوهش «غیردینی و سکولار» را رد کنند. گاهی مؤسسات دینی کتاب‌های اعتقادی و شبه‌دانشگاهی را به کتابخانه‌های دانشگاه اهدا می‌کنند تا عقاید و باورهای خود را انتشار دهند. برعهده شماست که سوگیری‌های مؤلفان را تشخیص دهید و از پژوهشی درخور و عالمانه استفاده کنید. غالباً (هر چند نه همواره) عنوان کتاب، نشانه خوبی به دست شما می‌دهد تا از محتوای کتاب اطلاع پیدا کنید. مقالاتی که نویسندگان در فضای مجازی می‌نویسند، در بهترین حالت معجونی درهم است. انتشار مقالات بدین شکل از آن رو است که نویسنده برای انتشار چاره‌ای جز آن ندارد یا عاشق فن‌آوری است. برخی از این مقالات را دانشجویان کارشناسی نوشته‌اند و چشمگیر به نظر می‌رسند؛ در حالی که واقعیت چیز دیگری است. کتابخانه‌های عمومی نیز منبع قابل اعتمادی برای نوشته‌های عالمانه نیستند. چنانچه درباره اعتبار نویسنده‌ای خاص شک دارید، می‌توانید نام نویسنده را در Religion Index One بررسی کنید و ببینید که آیا وی تاکنون مقاله یا کتابی منتشر کرده که بتوان آن را در کتابخانه‌های دانشگاه یافت.^{۴۳} بدون نگرانی نظر استاد یا دستیار آموزشی را درباره مطالبی که گزینش کرده‌اید جویا شوید.

۴۳. برای مقالات فارسی می‌توانید به پایگاه نورمگز به نشانی noormags.ir و مگیران به نشانی magiran.com مراجعه کنید. (مترجم)

۴-۴. آغاز نوشتن

پیش از آنکه درباره مسئله مورد نظر به راه حل برسید، نوشتن را آغاز نکنید. در غیر این صورت ممکن است مقاله ای بنویسید که بی هدف در میان شواهد سرگردان شده است، بدون اینکه به نتیجه ای بینجامد. صبر کنید تا درباره چیزی که می خواهید استدلال کنید، به ایده ای دست یابید. سپس شروع کنید و استدلال ها را روی کاغذ بیاورید. اگر پژوهشی گسترده کرده باشید، احتمالاً می توانید تنها در طول یک شب ده صفحه بنویسید. با این حال ممکن است وقتی فردا نوشته های خود را دوباره می خوانید، آنها را وحشتناک بیابید. [ناامید نشوید و] به این نوشته ها به چشم پیش نویس اولیه نگاه کنید. اگر هوش سرشاری ندارید، شاید نیاز باشد پیش از آنکه بتوانید ایده هایتان را به طور کامل ارزیابی کنید، آنها را روی کاغذ «بنگرید». نمایش استدلال ها روی کاغذ، شما را قادر می کند تا آنها را نقد کنید؛ چنان که گویی شما فرد دیگری هستید، فردی که می داند چه کرده است، اما هواخواه تفسیرتان نیست. آیا استدلال ها به نظرتان منطقی می رسند؟ آیا این استدلال ها کافی هستند تا نشان دهند که منظر شما از دیگران بهتر است؟ زمانی که ضعف های استدلال های خود را شناسایی کنید، به کشف ایده های جدیدی سوق داده می شوید که پیش از آغاز نگارش به آنها فکر نمی کردید. احتمال دارد که برخی از دیدگاه های اولیه خود را تغییر دهید.

بازنویسی، غلطگیری و چاپ

به موازات اصلاح استدلال ها، تدریجاً ذهنانتان شفاف تر می شود. هر چه به پایان کار نزدیک می شوید، بیشتر خواهید فهمید که درباره چه چیزی در حال استدلال کردن هستید. به همین دلیل تا زمان اتمام متن اصلی مقاله، نگارش پاراگراف مقدماتی را به تعویق بیندازید. واقعاً از طریق فرایند نوشتن و بازنویسی است که معلوم می کنید تزان دقیقاً چیست. همچون افکار روزمره، افکارتان در زمان تحقیق و پژوهش درباره مقاله بیشتر تصادفی و پراکنده است. فرایند نوشتن به شما امکان می دهد تا به این بینش های از هم گسیخته ساختار نظام مند دهید. تفکر «روی کاغذ» به افکارتان وضوحی می بخشد که ممکن نیست جای دیگر آن را به دست آورید. به عبارت بهتر نوشتن مقاله به شما نحوه فکر کردن را یاد می دهد. وقتی افکار خود را در قالب پاراگراف های جدا از هم بیان می کنید، هر پاراگراف باید بیانگر یک ایده خاص باشد. اگر هر پاراگراف تنها عبارت باشد از چند جمله به هم پیوسته، به این معنی است که افکارتان هنوز به آستانه وضوح و شفافیت نرسیده است. مدتی طول می کشد تا بفهمید دقیقاً چه می خواهید بگویید، اما وقتی به آن مرحله برسید، خواهید توانست ایده های خود را به شکل استدلال های منطقی منظم کنید تا از تزشما پشتیبانی کند. بعید است که این درجه از ساماندهی، بدون تلاش زیاد رقم بخورد. نوشته اولیه اغلب یک چهارم کار را شامل می شود و سه چهارم آن مربوط به بازنویسی است.

ممکن است بخواهید با زیر عنوان، مقاله خود را به بخش‌های مختلف تقسیم کنید. برای این کار مطمئن شوید که هر مطلب واقعاً به آن بخش متعلق است و سلسله مراتب در همه بخش‌های فرعی رعایت شده‌اند. انسجام بخش‌ها را مدنظر قرار دهید. دو سطح از زیر عنوان در این مقاله را می‌توانید به چشم نمونه بنگرید.

پاراگراف مقدمه باید به شکل خلاصه، آینه تمام‌نمای مقاله باشد. نیاز به دیباچه‌ای طولانی (یا نطق پرآب و تاب) نیست. مطالب اصلی را تا جای ممکن به شکل کوتاه و مختصر بیان کنید. آن‌گاه تز خود را به صورت شفاف و روشن بنویسید و در پایان بگویید که قرار است چگونه آن را اثبات کنید. همواره شفافیت را نصب‌العین خود قرار دهید. پس از چند پاراگراف آغازین، خواننده باید به شکل روشن و اولیه بفهمد که شما می‌خواهید چه کاری کنید و قرار است چگونه آن را به انجام برسانید. احتمالاً نصف صفحه برای کل مقدمه کافی است. مقدمه‌های مقالات منتشر شده می‌تواند الگوی مناسبی برای شما باشد.

هنگامی که استدلال به پایان رسید، مقاله را می‌توانید با خلاصه‌ای از آنچه به اثبات رسانده‌اید و اظهار نظر در خصوص مواردی که به پژوهش شما ارتباط دارد، (اعم از دانشگاهی یا اجتماعی) نتیجه‌گیری کنید. مراقب باشید که نوشته از حالت دانشگاهی خارج نشود که اینجا مکانی برای قلم‌فرسایی و اظهار عقیده نیست. از ارائه راه‌حل‌های شخصی، هیجانی، موعظه‌ای، نکوهشی یا دستوری به مسائل فرقه‌های مذهبی مورد بحث خودداری کنید. تنها به خواننده یادآوری کنید که در این کار دانشگاهی چه سهمی داشته‌اید و در صورت تمایل بگویید که نتایجتان چگونه می‌تواند برای کسانی مفید باشد که در زمینه‌های مختلف تلاش می‌کنند [فهم] از جهان را ارتقاء دهند.

در طول فرایند بازنویسی چند بار پیش‌نویسی از مقاله را چاپ کنید و اصلاحات را روی خود صفحات انجام دهید. با مشاهده یک جای استدلال روی کاغذ، درک ساده‌تری از آن به دست می‌آورید. خط‌هایی که روی صفحه رایانه خیلی راحت از قلم می‌افتند، روی کاغذ آسان‌تر به چشم می‌آیند.

پیش از چاپ مقاله نهایی، آخرین کاری که باید انجام دهید بررسی مجدد املائی لغات است. همواره آخرین نوشته خود را از اول تا آخر از نظر بگذرانید؛ زیرا ممکن است به دلیل اصلاحات نهایی اشتباهی در آن به وجود آمده باشد. (برای مثال گاهی عناوین به سطر پایانی صفحه منتقل می‌شوند یا جمله با واژه‌هایی که دارای خط تیره هستند، ناگهان در میانه خط قطع می‌شود.)

مستندسازی

در نگارش مقاله، مستندسازی سراسر است‌ترین جنبه آن به شمار می‌رود. از این رو لغزش در این کار تنها می‌تواند این حس را به خواننده منتقل کند که شما پژوهشی سرهم‌بندی شده انجام داده یا اینکه

زحمت یادگیری روش های مقبول را به خود نداده اید. با توجه به اینکه ارزیابان معمولاً ابتدا کتابشناسی را ملاحظه می کنند (تا ببینند آیا مقاله حرف تازه ای برای گفتن دارد یا خیر)، بد نیست با مزایای مستندسازی بی عیب و نقص به عنوان راهی برای ایجاد حس خوب در خواننده آشنا شوید.

۶-۱. چه چیز مستند می شود؟

ظاهراً برخی از دانشجویان فکر می کنند که مستندسازی فقط هنگام نقل قول مستقیم مورد نیاز است، اما چنین نیست و هر زمان که شما از ایده یا فکر دیگری استفاده می کنید، حتی اگر بیان آن ایده و فکر به زبان خودتان باشد، لازم است منبع آن را ذکر کنید. هر گاه به اندیشه نویسنده ای درباره یک موضوع اعتماد می کنید، لحاظ فکری مدیون او هستید و لازم است آن را یادداشت کنید. البته این بدان معنا نیست که همواره باید منبع اطلاعات خود را ذکر کنید. مواردی که جزء اطلاعات عمومی شمرده می شوند، (یعنی مواردی که عموماً «واقعیت»^{۴۴} هستند و در بیش از یک منبع یافت می شوند) به مستندسازی نیاز ندارند. مقاله ای که پراز استناد است، این حس را در خواننده القای کند که مطالعات شما به قدر کافی زیاد نبوده است تا بفهمید بسیاری از اطلاعاتی که منبع آن را ذکر کرده اید، جزء اطلاعات عمومی به شمار می روند. در مقابل، مقاله ای که استناد کمی دارد، این حس را به وجود می آورد که شما می خواهید خودتان را به رخ کشانده و بگویید که می توانید تفکر مستقل داشته باشید) و بدین ترتیب به دردمر می افتید). مقاله ای که از استناد درست برخوردار است، به خواننده این پیام را می دهد که دامنه پژوهستان کامل است.

اطمینان حاصل کنید که در نقل قول ها خطایی وجود نداشته باشد. اگر در جملاتی که نقل می کنید، خطایی اعم از تایپی و غیره وجود داشت، به طوری که ارزیاب گمان کند این خطا را نه نویسنده اصلی، بلکه شما مرتکب شده اید، در نقل خود آن را به گونه ای اصلاح کنید که ارزیاب بفهمد شما به آن توجه کرده اید. برای این کار پس از اشتباه، درست آن را در کروشه بنویسید. مثلاً در جایی که مؤلف نام کتاب را درست ضبط نکرده است، شما این کار را انجام دهید: «الاتقان فی [علوم] القرآن».^{۴۵}

تنها هنگام ضرورت، قولی را به طور مستقیم نقل کنید. اگر مقاله خلاصه ای از نقل قول های مستقیم باشد، پژوهش شما محسوب نمی شود. هدف از نقل قول از یک محقق آن است که نظری را بیان کنید که این کار معمولاً با ذکر منبع از طریق بازنویسی و بررسی کلی مواضع مختلف نویسندگان انجام می شود. نقل قول از محققان چیزی را اثبات نمی کند و مدرک مهمی برای استدلال شما به حساب نمی آید. بسیاری از دانشجویان فکر می کنند همین که نشان دهند پژوهشگری «واقعی» عقیده ای را به زبان آورده، برای اثبات آن کافی است. در این مورد اثبات آن گاه حاصل می شود که نقل قول همراه

44. Fact.

۴۵. مثال را برای خواننده فارسی زبان تغییر دادم. (مترجم)

با ارزیابی شواهد باشد، وگرنه فقط نشان می‌دهد که محقق خاصی به فلان عقیده باور دارد. حتی «نویسندگان» پرآوازه نیز ممکن است اشتباه کنند. (در واقع «انسان‌های بزرگ» باید اشتباه کنند تا شما بتوانید میزان اختلاف آنها را با یکدیگر بسنجید!) برعهده شماست تا با بحث درباره شواهد، درباره نکات مهم و اساسی در مقاله خود استدلال کنید. فراموش نکنید اگر منابع مورد استفاده با شواهد ارتباطی نداشته باشند، احتمالاً از آن روست که نسبت به اهداف شما بسیار عام هستند.

در جریان اثبات نکات اصلی مقاله دائماً لازم است به موارد مربوط به این نکات اشاره مختصری بکنید. با ذکر برداشت و نتیجه نویسندگانی که به نظرتان به قدر کافی این مسائل را بررسی کرده‌اند، می‌توانید به شکل خلاصه در یادداشت‌ها به آنها بپردازید. بخش یادداشت می‌تواند شامل بررسی مختصر شواهد باشد؛ به قدری که خواننده متقاعد شود شما از مسائل مطلع هستید و آنها از نتایج معقولی برخوردارند. اگر در مقاله مواردی را فرض کرده‌اید که ممکن است برخی با آن مخالف باشند، مرور کوتاه بر شواهد آنها در بخش یادداشت‌های مقاله ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۶. پرهیز از سرقت علمی

سرقت علمی، جرمی دانشگاهی است و منظور آن است که کلمات یا ایده‌های شخص دیگری را به نام خود جا بزیم. دانشجویان هنگامی مرتکب این لغزش می‌شوند که مقاله دیگری را به نام خود ارسال کنند، از کسی بخواهند که مقاله‌ای برای آنها بنویسد یا از جملات و پاراگراف‌هایی (بدون ذکر نام کامل منبع) در تحقیق خود استفاده کنند. ایشان همچنین هنگامی دست به تقلب می‌زنند که از تکلیف یک درس برای درس دیگر استفاده کنند. مجازات این جرائم سختگیرانه است که می‌تواند شامل اخراج از دانشگاه، جریمه یا درج نمره «صفر» در کارنامه با ذکر کلمه «سرقت علمی» در کنار آن باشد. شدت مجازات به سیاست‌های دانشگاه، اهمیت تکلیف و اندازه سرقت بستگی دارد. اگر افراد شریف در نوشته‌های خود ناخواسته از همان عبارات آثار قبلی خود استفاده کنند، جای نگرانی نیست. هر چند وقتی از کلمات یا عبارات منتخب استفاده می‌شود، لازم است با قراردادن آنها در گیومه و ذکر منبع، به نقل قول بودن آنها اذعان کرد. هیچ اشکالی ندارد که براساس پژوهش پیشین خود، مقاله‌ای جدید و کاملاً متفاوت بنویسید.

اینترنت همان‌طور که سرقت علمی را خیلی راحت کرده، کشف آن را نیز ساده‌تر کرده است. مهم نیست که برای یافتن یک مقاله به چه تعداد سایت مختلف سرزده شده است، تنها کافی است ارزیاب مشکوک عنوان یا عباراتی مشخص را از چند صفحه نخست، در موتور جستجو تایپ کند تا مستقیماً به مکان مورد نظر منتقل شود. مقالات خریداری شده را نیز راحت می‌توان ردیابی کرد؛ زیرا یا به دانشجویان دیگری که دوره را گذرانده‌اند، فروخته شده یا از اینترنت گرفته شده یا از منابع موجود سرقت علمی شده، یا از انبوه مقالاتی به سرقت رفته است که سال قبل به دانشجویان برگردانده

شده‌اند. از سوی دیگر مقاله‌های گران‌تر به وسیله افرادی تولید می‌شوند که دانش بسیار بالاتری نسبت به دانشجو دارند. برای استاد کاری ندارد که تشخیص دهد آیا مقاله را خود دانشجو نوشته یا شخصی دیگر. سرانجام مقالاتی که در آنها قطعات کتاب‌ها با هم ادغام شده، شامل بخش‌ها و «درزهایی» است که گویای درک پایین سارق و سبک نگارش وی است. بنابراین کشف سرقت علمی برخلاف ظاهرش کار سختی نیست.

۳-۶. شیوه‌های مستندسازی

هر چند در استفاده از هر یک از شیوه‌های استاندارد مستندسازی آزاد هستید (با استاد خود مشورت کنید)، باید آن شیوه‌ای را انتخاب کنید که مناسب مقاله شماست. اگر منابع مقاله اندک است، می‌توانید روش نام مؤلف - صفحه منبع را به کار بگیرید. اگر منابعتان زیاد است و به طور مرتب می‌خواهید اطلاعات تکمیلی به آنها اضافه کنید، از پانویس یا پی‌نوشت استفاده کنید.

در مطالعات دینی باید شماره صفحه هر مطلبی که استفاده شده به طور دقیق ذکر کنید. بنابراین روش مستندسازی نام - تاریخ که در آن نام خانوادگی نویسنده و سال انتشار بیان می‌شود، معمولاً نامناسب است. روش نام - تاریخ بیشتر در علوم اجتماعی کاربرد دارد که ارجاع به یک مقاله معمولاً ارجاع به کل آن است و نیاز به ارجاع به بیش از یک مقاله از یک نویسنده فراوان اتفاق می‌افتد. چرا وقتی می‌توانید اطلاعاتی مناسب ارائه دهید، به جای آن مدام سال انتشار را تکرار کنید؟ از سوی دیگر در این روش می‌توان شماره صفحه را نیز گنجاند. البته اگر ذکر سال اهمیت زیادی ندارد، شیوه نام - صفحه را به عنوان سبک اصلی خود به کار بگیرید و تنها زمانی سال را اضافه کنید که به بیش از یک اثر از یک نویسنده ارجاع می‌دهید. با این حال توجه کنید که این روش‌های درون‌متنی ممکن است شما را به مستندسازی بسیار اندک (و در واقع سرقت علمی) وادار کند؛ زیرا درج ارجاعات پراکنزی زیاد در متن مقاله ممکن است ناخوشایند به نظر برسد و شما برای پرهیز از این مسئله استناد درون‌متنی را رها کنید.

پانویس یا پی‌نوشت همچنان رایج‌ترین شیوه مستندسازی در مطالعات دینی به شمار می‌رود. عدد بالانویس یک روش بی‌سروصدا برای نشان دادن وجود اطلاعات استنادی / تکمیلی است؛ بدون اینکه خواننده مجبور به بررسی آن شود. مهم‌تر آنکه در بخش یادداشت‌ها می‌توانید شواهد اضافی یا عبارات معترضه‌ای ذکر کنید که در متن مقاله جای بیان آنها نیست. بنابراین این بخش تنها برای مستندسازی کاربرد ندارد.

هنگام استفاده از یادداشت، تنها لازم است برای بار نخست اطلاعات کامل کتاب یا مقاله را ذکر کنید و دیگر به ذکر مجدد آن نیازی نیست، (مگر در بخش کتابشناسی). زمانی پژوهشگران برای

ارجاع‌های بعدی از کلماتی نظیر «همان» (یعنی همان منبع) استفاده می‌کردند، اما این روش باعث تشویش خاطر خواننده می‌شود؛ زیرا برای یافتن منبع مجبور است به عقب برگشته و جستجو کند. بنابراین اکنون متداول است که برای ارجاع‌های پی‌درپی به یک منبع، نام خانوادگی نویسنده همراه با عنوان کوتاه‌شده (نه مخفف) منبع و پس از آن شماره صفحه (ها) ذکر می‌شود. بعضی از نویسندگان وقتی برای بار نخست به یک منبع ارجاع می‌دهند، اطلاعات کامل آن را در پانوشت می‌آورند و در ارجاع‌های بعدی از شیوه درون‌متنی استفاده می‌کنند. برخی فقط از ارجاع‌های پرانتزی استفاده می‌کنند و در صورت لزوم پانوشت‌های توضیحی می‌افزایند. من با توجه به اینکه استفاده از یک روش و آن ارجاع پانوشت به خودی خود کافی است، اعتبار زیادی به ترکیب این روش‌ها نمی‌دهم.

به یک نمونه (بخشی از یک پاراگراف) از ارجاع درون‌متنی که در آن از شیوه نام - صفحه استفاده شده است، نگاه کنید:

معمولاً گفته می‌شود که عبارت خاص «به حواریون و پطرس» در مرقس ۱۶: ۷ ارجاعی گذرا به رستاخیز اول مسیح است و از پطرس به عنوان نخستین کسی یاد می‌شود که مسیح برای او ظاهر شده است (Fuller 57-58, 63-64; Stein 1991, 144). هرچند چنین اشاره‌ای ممکن است ...

توجه داشته باشید که مرجع پرانتزی قبل از علائم نگارشی پایانی قرار دارد و تمام صفحات مربوطه در آن ذکر شده است. اگر مرجع پرانتزی در انتهای یک نقل قول قرار گیرد، می‌توان آن را پس از علائم نگارشی پایانی به کار برد. هر کدام را که انتخاب می‌کنید، انسجام را از دست ندهید و همه را به یک شکل به کار ببرید.

۴-۶. پانوشت، پی‌نوشت و کتابشناسی

قالب‌های معمول برای تنظیم اطلاعات مندرج در پانوشت و کتاب‌شناسی را می‌توان در کتاب‌های راهنما یافت. دو مورد از معتبرترین کتاب‌های راهنما عبارت است از: *MLA Handbook for Writers of Research Papers* و *The Chicago Manual of Style*^{۴۶}. در کتاب فروشی‌های دانشگاه، کتاب‌های مربوط به نویسندگی و سبک نگارش را می‌توانید بیابید که بر اساس این آثار مرجع و استاندارد نوشته شده‌اند و آن منابعی کارآمد هستند که ارزش خریدن و خواندن کامل را داشته باشند. راهنماهای مفید و مختصری را می‌توان در اینترنت یافت. صفحات مربوط به این راهنماها معمولاً تغییر می‌کنند، اما با نوشتن عبارت «*MLA style guide*» در موتور جستجو می‌توانید به آنها دست یابید. برای روش

۴۶. برای اطلاع از شیوه‌نامه شیکاگویی می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید: سیروس علی‌دوستی و همکاران، شیوه‌نامه ایران: راهنمای استناد به منابع اطلاعات فارسی و انگلیسی بر پایه شیوه‌نامه شیکاگو، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۹۵. (مترجم)

استناد به منابع اینترنتی و چندرسانه‌ای (مثل سی دی، مقالات موجود روی اینترنت / گروه‌های خبری و مکاتبات ایمیلی) به این دو کتاب مراجعه کنید: Online!: A Reference Guide to Using Internet Sources. The Columbia Guide to Online Style

نگارش کتاب‌شناسی منابع همزمان با پژوهش انجام می‌شود. هنگامی که برای بار نخست از محتوای منبعی استفاده می‌کنید، پیش از بازگرداندن آن به کتابخانه اطلاعات کتابشناسی را به طور کامل یادداشت کنید.

۵-۶. نقل قول‌های مجزا

نقل قول‌های بیشتر از پنج یا شش خط را باید به صورت نقل قول مجزا از پاراگراف نوشت. برای این کار، نقل قول از پاراگراف با سه خط فاصله جدا شود، با فرورفتگی از سمت راست (برای زبان فارسی) یا هر دو طرف با فاصله خطوط ترجیحاً تک فاصله (یا یک و نیم فاصله). اگر نقل قولی کوتاه‌تر از پنج خط چنان اهمیت داشته باشد که بخواهیم آن را برجسته کنیم، می‌توان آن را به شکل مجزا نوشت. مثلاً اگر در بحث خود چند بار به آیه‌ای خاص از کتاب مقدس اشاره می‌کنید، می‌توانید برای راحتی خواننده آن آیه را به صورت نقل قول مجزا بنویسید.

نحو جمله‌ای که نقل قول پس از آن می‌آید، تعیین‌کننده علامت نگارشی قبل از نقل قول است؛ (برای مثال اگر جمله کامل است از دو نقطه (: و اگر جمله پیرو و کامل بود از کاما (،) استفاده کنید. همچنین اگر بخشی از یک جمله بود که با نقل قول تکمیل می‌شود، هیچ علامتی به کار نبرید.) خود نقل قول داخل علامت قرار نمی‌گیرد و همین جدا شدن آن از پاراگراف کافی است تا نقل قول بودن آن معلوم باشد. تنها زمانی هم از علامت و هم از می‌جزانوشتن استفاده می‌شود که خود محتوایی که نقل می‌کنید شامل اقتباس یا نقل قول باشد. دست‌آخراکنکه نقل قول‌های مجزا به صورت مورب نوشته نمی‌شوند. اگر محتوایی که ذکر می‌کنید خود به صورت مورب است، آن را به شکل عادی درآورده و آن را به خواننده گوشزد کنید.^{۴۷}

سبک نگارش

به بسیاری از دانشجویان قواعد دستور زبان و علائم نگارشی آموزش داده نمی‌شود، چه رسد به جنبه‌های فنی سبک نگارش مثل اینکه کدام کلمه در عنوان برجسته شود. این نوع اطلاعات را می‌توان در کتاب‌های راهنما و دست‌نامه‌های نویسنده نظیر موارد ذکر شده در بالا یافت. بحثی مختصر همراه مثال‌هایی از شیوه‌های مستندسازی، فهرست استاندارد کلمات اختصاری و سایر اطلاعات مربوط

۴۷. برخی از مواردی که نویسنده در اینجا و جلوتر نقل می‌کند، قابل تغییر هستند. بهتر است برای اطلاع دقیق‌تر به آیین‌نامه مجله مورد نظر (جهت نگارش مقاله) و دانشگاه (جهت نگارش پایان‌نامه و رساله) مراجعه کنید. (مترجم)

به نوشتن رسمی را می‌توان در پایان فرهنگ لغت‌های بزرگ ملاحظه کرد. البته با نگاه به آثار چاپ شده بسیاری از پرسش‌های مربوط به سبک و مستندسازی خیلی ساده پاسخ داده می‌شود. با این حال یادتان نرود که ناشران و مجلات از اینکه از سبک نگارشی آنها استفاده کنید، خوشحال می‌شوند.

۸. صفحه‌آرایی

مقاله باید دارای صفحه‌عنوان باشد که در آن نام شما، عنوان و شماره درس، نام استاد و تاریخ ارسال ذکر شده است. عناوین در صفحات عنوان را داخل علامت نقل قول [گیومه] قرار ندهید. آنها را به شکل مورب یا به طور کامل با حروف بزرگ [برای مقالات انگلیسی] ننویسید و آخر آنها نقطه نگذارید. (عنوانی که در مرکز صفحه به صورت پررنگ نوشته می‌شود، گیراتراست). به صحافی یا استفاده از طلق و شیرازه نیازی نیست و حتی برای ارزیاب مایه زحمت است. استفاده از یک منگنه در بالا سمت راست (برای مقالات انگلیسی سمت چپ) کفایت می‌کند. (اگر از پی‌نوشت یا روش استنادی نام - صفحه استفاده می‌کنید، می‌توانید به جای منگنه کردن مقاله از گیره‌ای محکم استفاده کنید تا ارزیاب راحت بتواند بخش ارجاع و پی‌نوشت را جدا کند). اندازه قلم متن مقاله ۱۲، فاصله خطوط دو فاصله با حاشیه ۳،۵ تا ۴ سانتی‌متر (حدود ۱،۵ اینچ) از هر دو طرف و از بالا و ۲،۵ تا ۳ سانتی‌متر (۱ اینچ) از پایین باشد. اگر حاشیه سمت چپ [مقالات انگلیسی سمت راست] تراز^{۴۸} (مرتب) نشود، خواندن مقاله راحت‌تر است. برنامه ورد می‌تواند این کارها را به صورت خودکار انجام دهد.

صفحات مقاله باید به شکل پی‌درپی و از صفحه دوم شماره‌گذاری شوند. (صفحه‌عنوان را صفحه صفر در نظر بگیرید. معمولاً چنین است که صفحه اول اصلاً شماره‌گذاری نمی‌شود). اگر از رایانه استفاده نمی‌کنید، می‌توانید دست‌نویس‌های خود را به ماشین‌نویس حرفه‌ای بسپارید تا آنها را تایپ و چاپ کند.

محافظت از تحقیق

از پروژه خود بیش از یک نسخه پشتیبان تهیه و در جاهای مختلف نگهداری کنید و پس از هر جلسه یکی از این نسخه‌ها را به روز کنید. این اقدامات احتیاطی امکان از دست دادن کل اطلاعات را کاهش می‌دهد. پشتیبان معمولی که برنامه ورد ایجاد می‌کند، کافی نیست؛ زیرا ممکن است هارد دیسک رایانه کاملاً از بین برود. اگر هر روز از پرونده‌های خود نسخه پشتیبان تهیه کنید، چنانچه روزی اطلاعاتتان از دست برود، نه کل پروژه که تنها کارهای یک روز را از دست داده‌اید. همچنین بهتر است هنگام بازنویسی مقاله قسمت‌های حذف شده را حفظ کنید؛ چون ممکن است بعداً تصمیم بگیرید بخشی از آنها را دوباره به مقاله اضافه کنید. اساساً چرا وقتی می‌توان پاراگرافی را خیلی راحت

به پرونده ای دیگر منتقل کرد، آن را حذف کنیم؟ همچنین در نظر داشته باشید که حذف مقاله از روی سیستم حتی پس از ارسال آن، کار درستی نیست؛ زیرا هر چند ارزیابان تلاش می کنند که با وجدان باشند، آنها نیز همچون شما در معرض «حوادث قهری» هستند. اگر حیوانی خانگی مقاله شما را یک لقمه چپ کند، شما تنها شخصی خواهید بود که می توانید نسخه دیگری از آن تهیه کنید.

ملاحظات پایانی

همان طور که مشاهده کردید، نوشتن مقاله فقط راهی برای بیان عقاید نیست، بلکه فرایندی است که افکار شما را سامان می دهد و با استفاده از آن می توانید بینش های خلق الساعه و افکار جالب خود را به شکل نظریه های مستدل در آورید. جای شگفتی نیست که نگارش مقاله یکی از بهترین راه ها برای خبرگی در موضوعی خاص است و خبرگی در نگارش مقاله مؤلفه ای اساسی برای تبدیل شدن به پژوهشگر به شمار می رود. تلاشتان را دو صد چندان کنید. درک و فهمی که به دست می آورید، باید بیش از نمره و پاداشی باشد که کسب می کنید.^{۴۹}



۴۹. برای اطلاع بیشتر از روش نگارش پژوهش دانشگاهی به ویژه با تمرکز بر مسائل دینی نگاه کنید به: سعید عدالت نژاد، راهنمای نگارش پژوهش دانشگاهی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۷.